

باب گشت

من رفیقم، رهکشایم، آید گشت از دامن آ

به نام همراه یاریگر

من رفیقم، ره گشایم، **باب بگشا**، نزد من آ

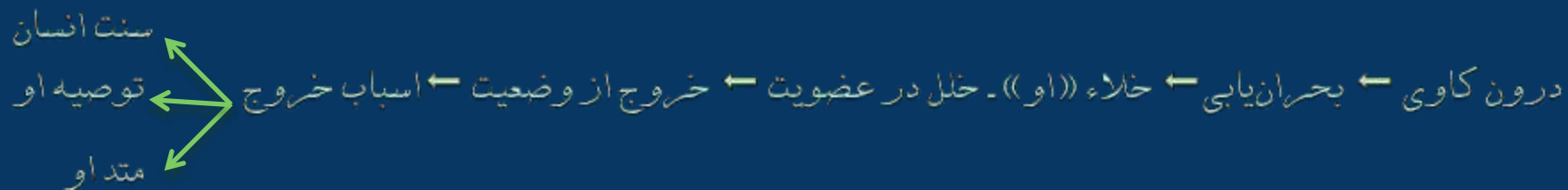
نشست سی و چهارم: تبیین ما : داشته ها و کارکردهای او
(دید تاریخی، تحلیل تاریخی ۴)

سه شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۸۸

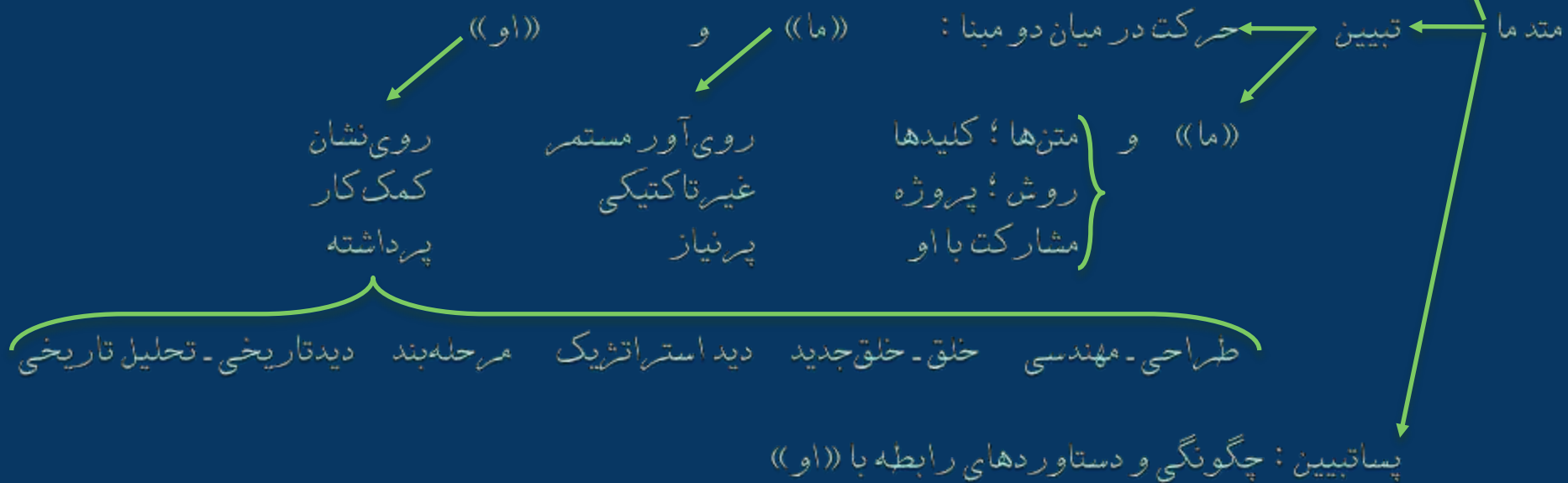
باب بگشا

ضرورت رابطه صاف دلانه، مستمر، همه گاهی و استراتژیک
با خدا

یک سال، یک نگاه



پیشاتبین : ← وداع با یک تلقی - سلام بر یک دیدگاه : هستند ؛ فعال هستی ؛ در مدار تغییر ؛ اثر گذار



یک سال ، یک نگاه

♦ درون کاوی

♦ بحر ان یابی

♦ خلاء «او» - خلل در عضویت

♦ خروج از وضعیت

♦ اسباب خروج

← سنت انسان

← توصیه او

← متد او

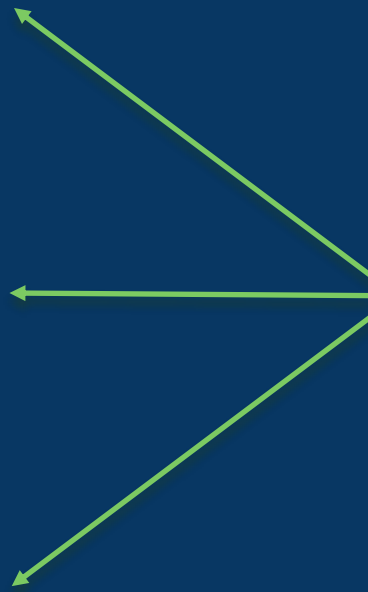
یک سال ، یک نگاه

پیشاتبین

تبین

پساتبین

متد ما



یک سال ، یک نگاه

پیشاتبین :

وداع با یک تلقی

سلام بر یک دیدگاه :

هستنده

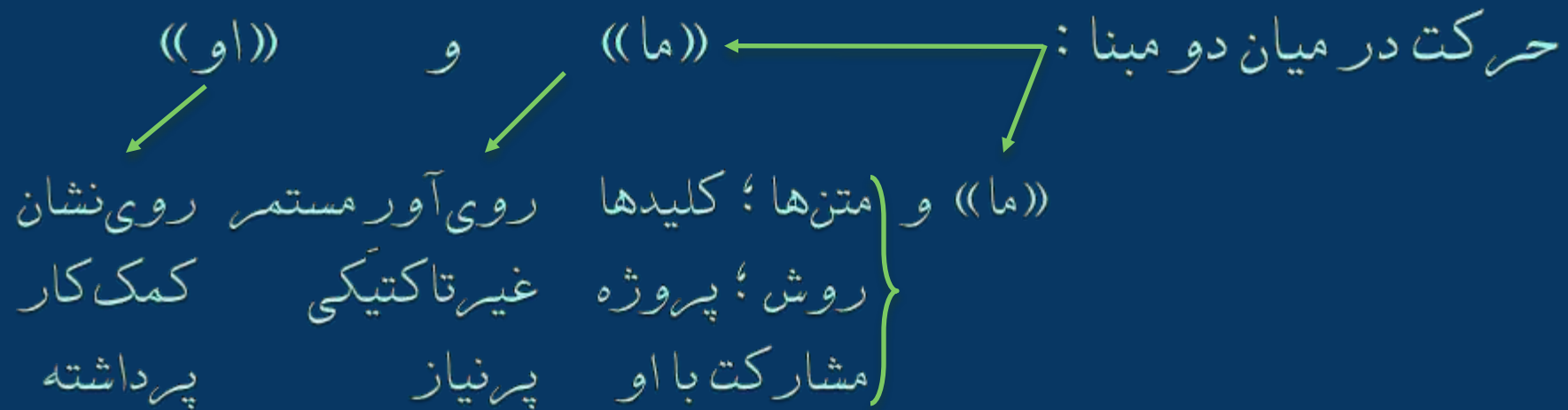
فعال هستی

در مدار تغییر

اثرگذار

یک سال ، یک نگاه

تیین ؛



طراحی - مهندسی خلق - خلق جدید دید استراتژیک مرحله بند دید تاریخی - تحلیل تاریخی

یک سال ، یک نگاه

پساتبیین :

چگونگی و دستاوردهای رابطه با «او»

تبيين ما؛

خدای صاحب دید تاریخی - تحلیل تاریخی
من رفیقم، ره گشایم، **باب بگشا**، نزد من آ
من؛

اشراف دارم

مجهزت می کنم

منظرت می بخشم

دید گاهت می دهم

تبیین ما؛

جایگاه تاریخ در چینش «او» :

ترتیب داده‌ها در کتاب آخر

✓ هستی

✓ رستاخیز - فرجام

✓ تاریخ

✓ انسان

وزن تاریخ در محتوا پیردازی های «او» ؛

لوح های فلسفه دار - حکمت دار تاریخی :

اعراف

هود

طه

انبیاء

مومنون

شعراء

کارکرد روش شناسی تجهیز تاریخی «او»

نظرافکنی

اندیشه ورزی در داده ها

سیر در به جامانده ها

هم فضا شدن با گذشتگان

زیست روندی با آنان

کارکرد روش شناسی تجهیز تاریخی «او»

فراز ۱۳ از نامه به فرزند ارشد :

«ای بنی، انی و ان لم اکن عمرت من کان قبلی - فقد نظرت فی اعمالهم،
و فکرت فی اخبارهم، و سرت فی آثارهم، حتی عدت کاحدهم، بل
کانی بما انتهی الی من امورهم قد عمرت مع اولهم الی اخریهم»
«ای پسرک من! و اگرچه عمر [دراز] نکردم [به مانند] عمر آنان
که پیش از من بودند [اما] در [روند] عمل شان نظر افکنده، در
اخبارشان اندیشه ورزیده و در آثار و بازمانده هاشان سیر کردم،
گویی [همانند] یکی از آنان گردیدم. و نیز به سبب آنچه از کارهای
آنان به من رسید [و انتقال یافت] چنان شد که من با اول تا آخرشان
زندگی کرده ام»

۶ لوح از یک متن ؛ لوح‌های فلسفه‌دار - حکمت‌دار

تاریخی

اعراف

هود

طه

انبیاء

مومنون

شعراء

جان مایه اعراف ؛

- اشراف ((او)) بر روند تاریخ و حضور در تنیده اش در سیرها
- ارسال پیام های نوبه نو برای رفع انحراف های دورانی
از طریق مردی از درون و همچون خود
- مبنا گرفتن ((او))
- مهتران ؛ سد دوران
- اصلاح ؛ جوهر تحولات
- اصل جانشینی و وراثت
- کتاب ؛ موضع
- خدا ؛ یاور روندها، صاحب کتاب، متولی شایسته کاران

لوح دوم؛

هود

- برگرفته از : یک نام تاریخ ساز
- به طور نسبی تفصیلی : ۱۲۴ نشانه، ۱۹۱۵ کلمه و ۷۵۶۷ حرف
- حروف غالب : «ن» (۵۶) و «د» (۲۳)

لوح دوم؛

هود

● با سه ترجمه بند :

«ای جماعت مردمان، با «او» رابطه ویژه برقرار کنید و او را ستایش و رزید. نیست برای شما الهی جز او»

«ای جماعت مردمان، من از شما مزدی طلب نمی کنم. نیست مزد من جز بر آنکه مرا آفریده است، پس آیا نمی اندیشید؟»

«ای جماعت مردمان، آمرزش جویید از پروردگار خود، سپس به سوی او بازگشت کنید»

لوح دوم؛

هود

- مضمون‌ها : روایی، تجربی، آموزشی
- روایت محوری : روایت نوح (۴۸-۲۵)
- موضوع‌ها : استواری کتاب، فلسفه پیام، فلسفه تاریخ، فلسفه فرجام، خروجی‌های استراتژیک
- آغاز لوح : بازگشت همه امور به جانب «او»،
اعتماد و توجه ویژه به «او»

سرفصل‌های لوح دوم؛

● تاکیدها

(۱) کتاب آخر؛ کتابی است با نشانه‌های محکمه

و تفصیلی

(۴) بازگشت شما به سوی خداست

(۷) آزمون انسان در شایسته کاری

(۱۹) بازدارندگان مسیر خدا و کج خواهان آن،

فرجام را حق پوشانند.

سرفصل‌های لوح دوم؛

• روایت‌ها :

نوح

هود

صالح

لوط

شعیب

موسی

روایت نوح؛

(۲۴) راهی کردن نوح به جانب قومش

(۲۵): پرستش نکنید جز خدا را، بیم دارم بر شما از عذاب روزی دردناک

(۲۶) ملأء حق پوش : نمی بینمت جز بشری همانند خویش
پیروانت جز اراذل و فرومایگان نیستند
برای شما برتری مشاهده نمی کنیم
دروغگویان می پنداریم تان.

(۲۹-۳۱) نوح: ای قوم نخواهم از شما بر آن [پیام و تلاشم] مالی را.
نیست پاداش من جز بر خدا.

ای قوم من چه کسی یاری کند مرا در قبال خدا، اگر برانم آنان را؟
نمی گویم به شما که گنج خدا نزد من است، نمی گویم بر غیب آگاهم
و نگویم که فرشته ام.

روایت نوح؛

(۳۱) قوم:

ای نوح با ما به جدال برخاستی، ستیزه‌مان افزون کردی،
پس بیاور بر ما وعده [عذابت] را.

(۳۶):

بگو اگر دروغش بسته باشم گناهش بر عهده من است،
بیزارم از آنچه گناه می‌ورزید.

(۳۷-۳۸):

بسا ز کشتی را تحت نظارت ما و به وحی ما
می‌ساخت کشتی را و هرگاه گروهی از قومش بر او می‌گذشتند
به مسخره‌اش می‌گرفتند.

(۴۰):

تا زمانی که پیامد امر ما و بجوشید تنور.

(۴۸):

گفته شد ای نوح فرود آی [در پناه] آرامشی و سلامتی از ما.
بر کت‌هایی بر تو و بر ملت‌هایی از آنان که با تواند.

روایت هود؛

(۵۰-۵۲):

و به سوی عاد روانه کردیم برادرشان هود را.
ای جماعت رابطه ویژه برقرار کنید با او و ستایش کنید،
نیست شما را الهی جز او.

ای قوم نخواهم از شما بر آن [پیام و تلاشم] مالی را،
نیست پاداش من جز بر آنکه مرا آفریده است.
ای جماعت آمرزش جوئید از پروردگار خود، سپس به جانب او
بازگشت کنید.

(۵۳) قوم:

نیاوردی ما را نشانه‌ای، ما ترک کننده خدایان خود نیستیم
و ما [آنچه را می‌گویی] مبنا نمی‌گیریم.

روایت هود؛

(۵۷) هود:

پس اگر روی بگردانید، به یقین آنچه را که برای آن به سوی شما
فرستاده شده بودم به شما رسانیدم و پروردگار قومی جز شما را
جانشین خواهد کرد...

(۵۸):

و چون فرمان رسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند
به گشایشی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت
رهانیدیم.

روایت صالح؛

(۶۱):

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ
هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ
إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را روانه کردیم. [صالح]
گفت: «ای قوم من! با او رابطه ویشه برقرار کنید. نیست شما را
الهی جز او. شما را از زمین پدید آورد و آبادانی و عمران آن را بر
شما و انهاد، پس، از او آمرزش جوئید، سپس به جانب او باز گردید،
پروردگار من نزدیک و اجابت کننده [تقاضا و فراخوان] است.»

روایت صالح؛

(۶۲) قوم:

ای صالح پیش از این مایه امید ما بودی،
ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند باز می داری؟
بی گمان از آنچه تو ما را به آن می خوانی سخت در شکیم.

(۶۳) هود:

طرح حجتی از جانب پروردگار ...

(۶۴) هود:

ای قوم! این ماده شتر خداست بر شما نشانه ای است. آزارش نرسانید،
عذاب زودرس خدای تان می گیرد.

(۶۵)

قوم ناقه را پی کردند ...

(۶۶)

پس چون فرمان رسید صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند
به گشایشی از جانب خود رها نمودیم

روایت لوط؛

(۷۷) : غمگینی لوط از در رسیدن فرستادگان جوان خوش سیما

(۷۸) : هجوم قوم به سوی دو جوان، نهی لوط، عرضه دختران خود به هجوم آورندگان، توصیه به رعایت حریم خدا
لوط: آیا در میان شما مردی رشدیافته [و صاحب درک] نیست؟

(۷۹) قوم: ... تو خوب می دانی که ما چه می خواهیم

(۸۰) لوط: کاش در مقابل شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم

(۸۱) : ... در پاسی از شب خانواده ات را کوچ ده
... بی گمان وعده گاه آنان صبح است. مگر صبح نزدیک نیست؟

(۸۲) : چون فرمان ما رسید، آن شهر را زیر و زبر کردیم.

روایت شعیب؛

(۸۶-۸۴):

و به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را روانه کردیم.
شعیب: ای قوم من با او رابطه ویژه برقرار کنید و پیوستیدش،
نیست شما را الهی جز او. پیمان و ترازو را مکاهید...
از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمنام.
ای جماعت پیمان و ترازو را به عدل و به تمام کمال دهید، حق مردم
را فرو نگذارید و در زمین فساد نکنید. اگر او را مبنا گیرید
باقیمانده بر شما نیک تر است و من بر شما نگاهبان نیستم.

(۸۷) قوم:

... آنچه را پدران مان می پرستیدند رها کنیم؟
در اموال خود به میل تصرف نکنیم؟

روایت شعیب؛

(۸۸) شعیب : ... إِنْ أُريدُ إِلَّا أَنْصَلِحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

اراده‌ای ندارم جز اصلاح [روند] در حد توان خود
و نیست موفقیتی برای من مگر به وسیله او.
به او اعتماد ویژه بسته‌ام و به سوی او بازمی‌گردم.

(۸۹-۹۰) شعیب: ای قوم من سخت‌پیشگی شما با من، شما را به آنجا نکشاند که مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید، به شما نیز برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیست.
از پروردگارتان آموززش جویید و سپس به جانب او بازگردید
که پروردگار مهربان و نیکورفیقی است.

روایت شعیب؛

(۹۰) قوم:

بسیاری از گفته‌هایت را در نمی‌یابم
و بر استی تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم
و اگر [بخاطر] خاندانات نبوده، سنگسارت می‌کردیم
و تو در برابر ما عزت [و انسجامی] نداری.

(۹۵-۹۳) شعیب: و ای قوم من! بر اساس امکانات خود عمل کنید، من نیز عمل می‌کنم،
به زودی خواهید دانست که عذاب بر که فرود می‌آید...
: و چون فرمان رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده
بودند به گشایشی از جانب خویش رهانیدیم،
فریاد مرگبار فرو گرفت و در خانه خود از پا درآمدند.
: گویی در آن هرگز سکنی داشته‌اند. اهل مدین [از کار گشایی‌های
خدا] دور باشد همچنانکه قوم ثمود دور شدند.

عصاره روایت موسی؛

(۹۶-۹۷):

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَيْنَاهُ فِتْنَةً فَأَتَتْهُوَ أَمْرٌ فِرْعَوْنٌ وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنٌ بِرَشِيدٍ

و براستی موسی را با نشانه‌ها و [نیز] ویژه نشانه‌های بس روشن :

روانه کردیم به جانب فرعون و [طیف] مهترانش. پس از امر [راه

و مشی] فرعون پیروی کردند و فرمان [مشی توصیه شده او] به

[راه] رشد نبود.

فصول مشترک روایت‌ها؛

- پدیداری انحراف‌های شکل‌بسته ساختار شده از فطرت و راه رشد بشر :
 - روانه کردن صاحب خبر و انتشار پیام اصلاح
 - واکنش تاریخی - عقیدتی مهتران و اکثریت قوم
 - جذب پیام منتشر از سوی اقلیت مدار تغییر
 - پایان سیر استدلال و گفتگو، ستیزه‌جویی سدکنندگان مسیر
 - رهایی اقلیت، عذاب سدکنندگان
 - جانشینی اجتماعی
- ✓ شریک قرار دادن
 - ✓ نقض عهد
 - ✓ انحراف جنسی
 - ✓ تقلب و پیمان‌کاهی
 - ✓ ارتقاع - فراادعا

جمع بست روایت روندها ؛

کارکرد روایت روندها :

(۱۰۰) ذَالِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

این از اخبار [کیفی] آن شهرهاست که بر تو می خوانیم،
بعضی از آنها بر پا مانده و برخی بر باد رفته اند.

جمع بست روایت روندها ؛

کارکرد روایت روندها :

(۱۲۰) وَ كَلَّا تَقْصُ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ
وَ جَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ
و هر یک از روایت‌های پیامبران که بر تو می‌خوانیم،
گزاره‌ای است که قلبت را به آن استوار می‌گردانیم
و در این [گزاره] ها جان حقیقت بر تو پدیدار شده
و برای ایمان آوردن گان‌پند و تذکری است.

جمع بست روایت روندها ؛

کارکرد روایت روندها :

(۱۲۰) إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ
وَ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ

قطعاً در این خوانش‌ها برای کسی که از فرجام بیم دارد، عبرتی است.
آن روز، روزی است که انسان‌ها گرد می‌آیند و تجمیع می‌شوند
و آن روز، روزی مشهود است.

جمع بست روایت روندها ؛

استدلال انهدامها و جابجایی ها:

(۱۰۱) وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لِّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

ما به آنان ستم نکردیم بلکه آنان به خودشان ستم ورزیدند،

پس چون فرمان پروردگارت فرا رسید معبودانی که به جای خدا می خواندند

هیچ به کارشان نیامد و جز به [فروپاشی] و هلاکتشان نیفزود.

جمع بست روایت روندها ؛

استدلال انهدامها و جابجاییها:

(۱۰۴) وَمَا نُوَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

و ما آن [فرجام] را جز تا زمان معینی به تاخیر نمی افکنیم.

(۱۱۱) وَإِنَّ كَلَامَنَا لَيُوفِّيْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و قطعاً پروردگارت اعمال هر یک را به تمام و کمال به آنان [صاحبان روندها و عملها] خواهد داد زیرا او به آنچه انجام می دهد آگاه است.

جمع بست روایت روندها؛

- تجهیز به حافظه تاریخی
- طمانینه و دل قرصی
- فرجام عمل و روند
- جهان حسابدار
- تاریخ کتابدار

یک پرسش استراتژیک

یک تصریح تاریخی

(۱۱۶) فَلَوْ لَّا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَّهُونَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

چه شد که در میان نسل‌های پیش از شما خردمندان [مغزیابی] نبودند که [دیگران را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی که از میان آنان نجات‌شان دادیم و کسانی که ستم می‌کردند به دنبال ناز و نعمت [و ویژه امکاناتی] که یافته بودند، رفتند و آنان مجرم بودند.

یک پرسش استراتژیک

یک تصریح تاریخی

(۱۱۷) وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ
و پرودگارت هرگز بر آن نبوده که شهرهایی را که اهالی اش
اصلاح گیرند، به ستم هلاک کند.

تجهیزهای استراتژیک، تشکیلاتی، تاریخی

- در بی حقیقتی معبودان آنان در تردید مباش (۱۰۹)
- همان گونه که فرمان یافته‌ای مقاوم باش (۱۱۲)
- طغیان نکنید (۱۱۲)
- به اردوی ستم‌پیشه‌گان تکیه مزنید (۱۱۳)
- نماز بر پا دار (۱۱۴)
- صبر بورز (۱۱۵)
- بگو: بر اساس امکانات خود عمل کنید، ما هم عمل خواهیم کرد (۱۲۱)
- بگو: منتظر باشید که ما نیز منتظریم (۱۲۲)
- با «او» رابطه ویژه برقرار کن (۱۲۳)
- بر «او» اعتماد ویژه ببندید (۱۲۳)

بحث پیشاروی؛

تبیین ما؛ داشته‌ها و کارکردهای «او»

(دید تاریخی - تحلیل تاریخی ۴)

سه‌شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۸۸

آدرس وبسایت سلسله نشست‌ها :

آدرس پیشین : www.dar-e-firoozeii.com

آدرس کنونی : www.hodasaber.com

(شامل آرشیو صوتی و متنی نشست‌ها)